

## بررسی ارکان جرم قتل عمد در حقوق ایران و امارات

منصور رادمنش<sup>۱</sup>

### چکیده

هر نوع جرم حادث شده واجد ارکان متفاوتی می‌باشد که از آن بعنوان ارکان مادی، معنوی و قانونی نام می‌بریم. هر یک از این عناصر حسب مورد در جرائم خاص خود شکل می‌گیرد که حصول هر یک از این عناصر بستگی به نوع جرم دارد. از این رو مقاله حاضر تلاش نموده است تا ارکان جرم قتل عمد در حقوق ایران و امارات را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این مقاله، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. سوال اصلی در این مقاله این است که: چه تفاوت و اشتراکی در خصوص ارکان قتل عمد در قانون ایران و امارات وجود دارد؟ در پاسخ به سوال می‌توان این فرض را مطرح نمود که: هر جرم و جرائم دارای سه رکن مادی، معنوی و قانونی است که این موضوع در قوانین دو کشور پذیرفته شده است، با این تفاوت که گرچه حقوق ایران در بیشتر موارد بویژه در خصوص مجازات در حوزه قتل عمد و توجه به رکن مادی آن قوی‌تر و بسیار مستحکم‌تر از حقوق امارت است اما قانون جزای امارات توجه ویژه‌ای به کلیه جرائم خاصه قتل عمد و رکن مادی آن دارد که جای بسیاری از مواد آن در قانون مجازات اسلامی ایران خالی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مقایسه حقوق ایران با امارات در حوزه قتل عمد گرچه قانونگذار به صراحت در ماده (۲۰۶) ق.م.ا. فعل را برای تحقق جرم قتل لازم و ضروری شمرده است. اما در خصوص ترک فعل هیچ تصریحی به میان نیامده است.

واژگان کلیدی: قتل عمد، رکن مادی، رکن معنوی، رکن قانونی، حقوق ایران و امارات

<sup>۱</sup> دکتری حقوق جزاء و جرم‌شناسی radmanesh\_1400@yahoo.com

## مقدمه

از زمان شکل‌گیری کمون‌ها و اجتماعات اولیه بشری و تلاش در جهات زندگی جمعی باتوجه نیاز بشر جرم و ارتکاب به آن نیز آغاز گردیده است. بی‌توجهی به مجرمان و جرم‌های مرتکب شده می‌توانست مخل نظم، امنیت و حیات بشر باشد لذا از همان آغاز چهارچوب‌های حقوقی در جهت مقابله با این جرائم شکل گرفت تا بشر بتواند به حیات خود در قالب زندگی اجتماعی و مشترک ادامه دهد. چراکه در غیر این صورت به علت عدم نظم و امنیت نظام اجتماعی دوام نمی‌آورد و بشر مجبور بود بصورت منفرد زندگی کند و این موضوع با ذات و فلسفه وجودی انسان که موجودی اجتماعی بود در تضاد می‌باشد از این‌رو تمام توجه فلاسفه علم حقوق بر ایجاد قوانین بازدارنده و رعایت عدالت بوده است در این راستا یکی از موضوعاتی که همواره نظم و امنیت اجتماع را به هم می‌زد و اجرای عدالت را با چالش‌ها روبرو می‌کند قتل عمد است که از دیرباز، از جمله سنگین‌ترین جرائم طبیعی جوامع بشری بوده است و کشورها غالباً شدیدترین مجازات‌ها را برای آن مقرر کرده‌اند. علمای حقوق کیفری وقتی جرم را بر مبنای شدت و ضعف طبقه‌بندی می‌نمایند، قتل در صدر آن قرار می‌گیرد. از این‌رو از قدیم‌الایام در نظام‌های حقوقی مختلف مجازات‌های سنگینی برای مرتکبان این دسته جرائم پیش‌بینی شده است چراکه قتل عمد با حق حیات در ارتباط بوده و این حق بنیادی‌ترین حق انسانی است. به این معنا که تحقق سایر حقوق انسانی متوقف بر حق حیات است. اهمیت این حق تا بدانجاست که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی‌توان آن را نقض کرد. «حق حیات در حالت‌های مختلف ممکن است مورد مخاطره قرار گیرد. پیش‌بینی نکردن مقررات لازم در برخورد با کسانی که حق حیات دیگران را مورد تعرض قرار می‌دهند می‌تواند به نوعی نقض حیات قربانی باشد. همچنین عدم حمایت دولت از افراد یا گروه‌های در معرض تهدید و یا باز گذاشتن دست گروه‌ها و افراد خاطی در تعرض به حیات دیگران جلوه‌ای از نقض حق حیات است» (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۵۱). اما در اینجا این موضوع مطرح می‌شود که آیا هر عملی جرم محسوب می‌شود. از این‌رو حقوقدانان و قوانین کشورها تعریف و ارکانی برای جرم در نظر گرفته‌اند. از این‌رو می‌توان بیان داشت که به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید باید؛ نخست، قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)؛ دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منصف ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)؛ سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی) این موضوعات در قوانین ایران و امارات مطرح شده است و همواره شرایطی برای جرم و گناه در قالب ارکان آن مطرح نموده‌اند. بگونه‌ای که می‌توان بیان داشت برای تحقق جرم قتل در دو کشور ایران و امارات، علاوه بر اینکه مرتکب باید با انجام فعلی منجر به قتل مجنی علیه شود امکان تحقق قتل از طریق ترک فعل نیز وجود دارد. آنچه ضرورت و اهمیت مقاله را نشان می‌دهد این است که شناخت مفهوم قتل عمد و ارکان متشکله آن در قوانین ایران و امارات متحده عربی و بررسی مسائل مورد

اختلاف در حقوق کیفری ایران و فراهم کردن امکان دستیابی محققان و پژوهشگران به منابع خارجی از اهمیت فراوانی برخوردار است چراکه مطالعه حقوق خارجی و مقایسه آن با قواعد داخلی بیانگر ارزش حقوقی هر کشور است و ضمن مشخص نمودن نارسایی‌های موجود در مواد قانونی مربوط به ارکان قتل عمدی در ایران می‌تواند در قالب ارائه راهکارهایی مورد توجه قرار گیرد. مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه از جنبه‌های مختلفی به فرایند قتل عمد و ارکان آن توجه داشته‌اند.

- محقق ابراهیم عبدالله زهرانی (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان: «مفاد احکام قتل عمدی پدر به کشتن فرزندش در فقه اسلامی» این محقق احکام مربوط به قتل عمد فرزند توسط پدرش در فقه اسلامی را مورد بررسی قرار داده، و به حکم و شرایط قتل عمدی، و به آثار و پیامدهای قتل فرزند توسط پدرش اشاره کرده است.

- عباس محمدخانی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان: «تأملی نو بر تعریف فعل مادی و غیرمادی در قتل عمدی» در این مقاله پس از تعریف فعل مادی و غیرمادی و تفکیک آنها از هم، سعی شده در تقسیم‌بندی نوع فعل به مادی و غیرمادی، ماهیت فعل ارتكابی صرف‌نظر از نتیجه، مورد توجه قرار گیرد و برخورد یا عدم برخورد به جسم قربانی و صدمات مادی و معنوی تنها در تقسیم‌بندی فعل مادی لحاظ شود.

- ملکی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان: «عنصر مادی ترک فعل در قتل عمدی» نگارنده به ۱۱۳ چگونگی انتصاب جرم قتل عمد و سپس عناصر ترک فعل در قتل عمد و همچنین روابط سببیتی ترک فعل و قتل عمد می‌پردازد و در آخر هم موارد انتساب قتل عمد به شخص و چگونگی تسری آن موارد به تارک فعل در قانون مجازات اسلامی ایران می‌پردازد.

- عبدالقادر عوده (۲۰۱۴)، در کتابی با عنوان: «قوانین جزائی اسلامی در مقایسه با قانون وضعی کاربردی» این پژوهشی شامل قانون مجازات اسلامی در مقایسه با قوانین وضعی می‌باشد، که فضائل قانون شرع و برتری آن بر قوانین وضعی و تقدم آن در تعیین اصول انسانی را عیان کرده و به چهار مذهب مشهور محدود می‌نماید.

- مرادی و شهبازی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان: «عنصر معنوی قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» مقاله حاضر ضمن تبیین عنصر معنوی قتل عمد، علم و اراده را بعنوان مهم‌ترین و مبنایی‌ترین اجزاء عنصر معنوی قتل عمدی و نیز جایگاه و نقش علم و اراده در تحقق قتل عمدی و شقوق مختلف آن را تحلیل می‌نماید. در این مقاله نتیجه‌گیری می‌شود که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگرچه در مقایسه با قوانین قبلی از نوآوری‌هایی برخوردار است، ولی همچنان با کاستی‌هایی روبروست و ضرورت توجه به ترک فعل در قتل عمد، تصریح بر قصد فعل واقع شده بر مجنی‌علیه بعنوان احراز عمد در جنایت، ضرورت توجه

به ارادی بودن رفتار مرتکب در جنایت قتل عمد و نیز ضرورت تفکیک بین قتل با سبق تصمیم و قتل بدون سبق تصمیم از جمله مسائلی است که باید درباره آنها چاره‌اندیشی شود.

با بررسی پیشینه‌های پژوهش می‌توان بیان داشت که بحث قتل عمد و ارکان آن همواره مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است اما در حوزه مقایسه ارکان قتل عمد بطور عام کمتر پژوهشی در این راستا به رشته تحریر درآمده است بخصوص در مقایسه ایران و امارات متحده عربی که نظام قانونی هر دو کشور از شریعت اسلامی پیروی می‌کنند می‌توان مقایسه‌ای مناسب باشد و ضمن برجسته نمود چالش‌های ارکان قتل عمد در ایران راهکار مناسب در این راستا را ارائه دهد.

### ۱- تعریف قتل عمد و انواع آن

علمای حقوق کیفری وقتی جرم را بر مبنای شدت و ضعف طبقه‌بندی می‌نمایند، قتل در صدر آن قرار می‌گیرد. در حقوق اسلام، قتل نفس از بزرگ‌ترین گناهان محسوب می‌شود، بطوریکه در آیه ۳۲ سوره مائده در قرآن کریم، کشتن انسان بی‌گناه معادل کشتن تمام انسان‌ها تلقی شده است. از این‌رو از قدیم‌الایام در نظام‌های حقوقی مختلف مجازات‌های سنگینی برای مرتکبان این دسته جرائم پیش‌بینی شده است. در قرآن کریم نیز ضمن اشاره به قتل عمد از دو نوع آن ذکر شده است که عبارتند از قتل عمد، و قتل غیرعمد (در اثر اشتباه). به همین دلیل است که امام مالک فقط به این دو نوع قائل بود و گفت: «قتل یا عمدی است یا غیرعمد، و من شبهه عمد را نمی‌شناسم» (ابن‌انس، ۱۹۹۴: ۵۵۸). درحالی‌که حنفی‌ها، شافعی‌ها و حنبلی‌ها قتل را به دو جنبه عمد و شبه عمد و غیرعمد تقسیم می‌کنند، و حنفی‌ها اضافه نموده‌اند که: آنچه اشتباه رخ داده، و قتل به علت و دلیلی اتفاق افتاده باشد.

۱۱۴

**قتل عمد:** علما اتفاق نظر دارند که قصد و انگیزه را شرط قتل عمدی قرار دهند. اما خود قصد و انگیزه دو نوع است: انگیزه مجرمانه، که در آن شخص قصد انجام عمل و نتیجه آن را دارد، و انگیزه انجام عمل به تنهایی، بدون خواستن نتیجه آن (ابو زهره، ۱۹۹۸: ۲۸۷-۲۸۶). بنابراین آیا در قتل عمد، انگیزه مجرمانه شرط است، یا اینکه عمدی بودن در انگیزه انجام این عمل به تنهایی بدون خواستن نتایج آن حاصل می‌شود؟ مالکی‌ها معتقدند که عمدی بودن به قصد انجام عملی انتزاعی (به تنهایی) حاصل می‌شود، خواه نتیجه مطلوب حاصل شود و یا نشود. پس مدار قضاوت و حکم آنها همان قصد و انگیزه عدوانی (تعدی و تجاوز) است، بدون در نظر گرفتن وسیله قتل (الدردیر، بی‌تا: ۲۴۴-۲۴۳). در حالی‌که حنفی‌ها، شافعی‌ها و حنبلی‌ها به شرط انگیزه مجرمانه داشتن اعتقاد دارند، و از آنجا که این قصد و انگیزه در قلب پنهان است، آنها وسیله یا آلت قتل را بعنوان محل انگیزه جنایتکارانه بر می‌شمارند، و از این‌رو استفاده از آلتی که بوسیله آن قتل صورت می‌گیرد را همان انگیزه قتل معرفی می‌کنند. از نظر شافعیان قتل عمد پیامدهایی دارد از جمله: گناه، قصاص،

دیه یا بخشش آنها، محرومیت از ارث و توبه و کفاره (الشربینی، ۱۹۹۷: ۱۳۹-۱۳۴). اما در مورد قتل شبه عمد حنفی‌ها، شافعی‌ها و حنبلی‌ها اتفاق نظر دارند که شبه عمد همان قصد و انگیزه شخصی است که غالباً آدم نمی‌کشد. اما در بین مالکی‌ها، همانطور که در بالا مشهور است که آنها قائل به شبه عمد نیستند (الدردیر، بی‌تا: ۲۴۴-۲۴۲). بنابراین از جمع‌بندی مباحث فوق برداشت می‌شود که آنچه در شرع اسلام در خصوص قتل از اهمیت فراوانی برخوردار است ممنوعیت و تأکید موکد بر عدم ارتکاب آن است احادیث فراوانی درباره ممنوعیت قتل و خودکشی و حرمت خون و مال و آبرو وارد شده است، از جمله آنها: «کشتن مومن نزد خداوند از نابودی دنیا بالاتر است» (نسائی، بی‌تا: ۴۲۴) و همچنین: «همانا جان و مال شما بر شما حرام است؛ همانند حرمت امروز، در این ماه و در این شهر...» (بخاری، ۲۰۰۱: ۱۷۵) و همچنین: «از هفت گناه مهلک دوری کنید، صحابه گفتند: ای رسول خدا آنها کدامند؟ پیامبر (ص) فرمودند: «شُرک به خدا و جادو کردن و قتل نفسی که خداوند او را حرام نموده مگر به حق...» (بخاری، ۲۰۰۱: ۱۷۵) و سنت نبوی مجازات قتل عمدی را تعیین نمود و فرمود (ص): «قتل عمد قصاص است مگر آنکه ولی مقتول وی را ببخشد» (بن‌نعمان، بی‌تا: ۴۴۷). یعنی قتل عمدی مستوجب قود (یعنی قصاص) است جزء در موقع بخشش (شوکانی، ۱۹۹۳: ۱۰). در بین مسلمانان هیچ اختلافی در حرام بودن قتل عمد متجاوزانه به ناحق وجود ندارد، و همانا مرتکب آن، استحقاق کشته شدن در این دنیا دارد، و در بنابر این صورت تقدیر عمل او کفر تلقی شده، و سزاوار عذاب در آتش جهنم - پناه بر خدا - در جهان آخرت است (سالم، بی‌تا: ۲۸۱).

۱۱۵

## ۲- قتل عمد در قانون امارات

آیات قرآنی فراوانی در مورد حرام بودن قتل و همچنین منع در همه مذاهب قبل از دین اسلام آمده است، زیرا که این امر با فطرت آدمی مغایرت دارد، در قوانین اسلامی اگر تجاوز به قتل، عمدی و از سر دشمنی باشد جرم بزرگی است، و از جمله هفت گناه نخستین، اولین جنایت قتلی که به دلیل دشمنی و ستیزه‌جویی اتفاق افتاد کشتن فرزند آدم به نام هابیل توسط برادرش قابیل بود، خداوند متعال فرمود: «بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هرکس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هرکس نفسی را حیات بخشد مثل آن است که همه مردم را حیات

بخشیده»<sup>۱</sup> و همچنین فرموده خداوند متعال: «و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده نکشید مگر آنکه به حکم حق مستحق قتل شود، و کسی که خورش به مظلومی و ناحق ریخته شود ما به ولی او حکومت و تسلط دادیم پس آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود»<sup>۲</sup>.

تأکید موکد اسلام و فقه اسلامی بر جلوگیری از قتل عمد و عقوبات آن در صورت ارتکاب سبب شده است تا همواره همه قوانین کشورها به این موضوع حساس بوده و درصدد مخالفت با آن، قوانین جزائی و کیفری سختی را تصویب نمایند. این مسئله در قوانین کیفری امارات نیز بازتاب یافته است. آنجا که قانون مجازات امارات متحده عربی تمایل به حفاظت از جان مردم داشته و این یعنی جرم دانستن هرگونه تجاوز است و به هر شکلی که باشد، (زیرا که بدنبال آن تأکید دارد بر اینکه هرکس که مرتکب جرم قتل شود)؛ و این بخاطر دفاع از حق انسان در زندگی دنیوی است، (شلال العانی و علی القضاة، ۲۰۱۳: ۲۲). قانونگذار اماراتی این موضوع را در بند اول ماده (۳۳۲) از قانون مجازات بیان کرد که: «هرکس شخصی را عمداً به قتل برساند باید به حبس ابد یا حبس موقت مجازات شود». بنابراین می‌توان بیان داشت که قانون امارات منبعث از فقه و شریعت اسلامی قتل عمد را در زمره گناهان کبیره تلقی نموده و نهایت مجازات را برای آن در نظر گرفته است اما این مجازات‌ها در صورتی اعمال خواهند شد که قتل عمد به معنای واقعی آن رخ دهد لذا قانون امارات بیان می‌کند اصل این است که هر جرمی از دو رکن تشکیل می‌شود: رکن مادی و رکن معنوی اگر یکی از آنها کنار گذاشته شود، این عمل غیرمجرمانه محسوب می‌شود، همانطور که در قانون برای برخی از جرائم قصد و غرض خاص لازم است. منظور از رکن مادی جرم، آنگونه که در ماده (۳۱) قانون مجازات فدرال و اصلاحات آن بیان شده، به معنای هرگونه فعالیت مجرمانه با ارتکاب عمل یا ترک فعل است، هر زمان که چنین ارتكابی یا ترک فعلی از نظر قانون جرم باشد و اما منظور از رکن معنوی جرم، مطابق ماده (۳۸) قانون مجازات فدرال، عمد یا اشتباه است. عمد، جهت‌گیری اراده مرتکب (جنایتکار) به سوی ارتکاب فعل یا ترک

<sup>۱</sup> سوره مائده، آیه ۳۲: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ».

<sup>۲</sup> سوره اسراء، آیه ۳۳: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا».

آن است، زمانی که این دو از نظر قانون جرم شناخته شده باشند، و این امر به دلیل وقایع ناشی از پیامد مستقیم یا پیامد مجرمانه دیگری است که جنایتکار انتظار دارد<sup>۱</sup>.

### ۳- قتل عمد در قانون ایران و سیر تاریخی آن

پس از تشکیل اداره مستقل عدلیه و تضعیف نفوذ قضایی روحانیون بعد از برخوردها و تعارضات متعدد، بالاخره در تاریخ دی ماه ۱۳۰۴ قانون اصول محاکمات جزایی به تصویب رسید. این قانون پایه‌های نظام جزایی عرفی را در ایران به وجود آورد. در تاریخ بهمن ماه همان سال احکام مربوط به قتل طی مواد (۱۷۰) به بعد قانون مذکور اضافه گردید. بنابراین «جرم قتل در یک نگرش کلی می‌توان به قتل عمد و غیرعمد تقسیم نمود. در عین حال قانونگذار طی مواد (۱۷۰) به بعد قانون مجازات عمومی اسبق به تقسیم چهارگانه قتل با عناوین عمد، شبه عمد، در حکم عمد و غیرعمد قائل بود. قتل عمد با قصد فعل و قصد نتیجه فعل (یعنی سوءنیت عام و سوءنیت خاص) حاصل می‌گردد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۳۴). چنانچه ماده (۱۷۰) قانون فوق‌الذکر که در صدر باب سوم راجع به جنحه و جنایت نسبت به اشخاص درج شده بود با این صراحت اعلام می‌داشت: «مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است مگر در مواردی که قانوناً استثناء شده باشد.» قتل شبه عمد نیز طی ماده (۱۷۱) قانون مجازات عمومی سابق بدین شرح، پیش‌بینی شده بود: «هرکس عمداً به ۱۱۷ دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که منتهی به موت مجنی‌علیه گردد، بدون اینکه مرتکب قصد کشتن را داشته باشد، به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. مشروط بر اینکه آلتی که استعمال شده است قتاله نباشد و...». بنابراین ماده مذکور در شرایطی که مرتکب بدون قصد قتل، اقدام به ضرب و جرح عمدی می‌نمود، مرگ مجنی‌علیه را سبب شده باشد، قتل شبه عمد محقق شده است. در ذیل ماده (۱۷۱) قانون اخیر آمده بود: «... و اگر آلت، قتاله باشد مرتکب در حکم قاتل عمدی است...». نتیجه اینکه در همین قانون، بسته به قصد مرتکب، آلت استعمال شده، موضع اصابت و وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه جنایت ارتكابی عمدی یا در حکم عمد محسوب می‌شد. بعبارتی مطابق آراء عدیده دیوان عالی کشور اگر مرتکب، با سبق تصمیم و یا قصد قتل مجنی‌علیه را بکشد قتل ارتكابی عمدی محسوب می‌شود (رأی اصراری دیوان عالی کشور به شماره ۲۸۵ مورخه ۱۳۵۰/۰۹/۱۰)، یا ایراد ضرب بوسیله چوب به سر دیگری که منجر به فوت

<sup>۱</sup> اما اشتباه، که با وقوع پیامد مجرمانه ناشی از اشتباه مرتکب شونده آن، چه به لحاظ سهل‌انگاری وی، و یا کم‌توجهی، عدم احتیاط، بی‌مبالائی، نادانی وی یا عدم رعایت قوانین و مقررات و نظم و دستورات به وجود می‌آید، آنگونه که در جرائم قتل سهوی یا آسیب اشتباهی به دلیل تصادفات رانندگی رخ می‌دهد.

شود، قتل عمدی است زیرا آلت قتاله محسوب می‌شود (رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور به شماره ۱۳۹۸ مورخ ۱۳۱۸/۰۶/۲۱)، یا دیوان عالی کشور فشردن گلو توسط مرتکب را مشمول ماده (۱۷۱) ق.م.ع. اسبق و بند (ب) ماده (۲۹۰) ق.م.ا. کنونی دانسته است (رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور به شماره ۲۴۲۲ مورخ ۱۳۱۷)، یا دیوان عالی کشور ایراد ضرب با سیلی به شقیقه زنی که در اثر آن بزه دیده بلافاصله به زمین افتاده و فوت کرده است از جهت حساسیت موضع آلت قتاله تشخیص داده است (رأی شعبه دیوان عالی کشور به شماره ۳۵۲۶ مورخ ۱۳۲۱). بالاخره دیوان عالی کشور قتل کسی که از وضعیت نامتعارف برخوردار است بوسیله ورود یک ضربه عمدی ولو فقط یک سیلی را مشمول قتل عمدی دانسته است (رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور به شماره ۱۰۱۰ مورخ ۱۳۱۷/۰۴/۲۹)، پس از پیروزی انقلاب، نخستین قانونی که در این زمینه به تصویب رسید قانون حدود قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ بود که بصورت آزمایشی و برای مدت پنج سال به تصویب کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی رسید و تا سال ۱۳۷۰ مورد عمل قرار می‌گرفت. این قانون مشتمل بر ۲۱۸ ماده بود و هشتاد ماده نخست آن به قصاص نفس و عضو اختصاص داشت. در سال ۱۳۷۰ قانون یاد شده با تغییرات جزئی بصورت قانون مجازات اسلامی درآمد (زراعت، ۱۳۸۱: ۳۸-۳۹)، با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ قانونگذار ابتدا در ماده (۲۰۵) مجازات قتل عمدی را بیان و سپس در ماده (۲۰۶) ضوابط آن را بیان و مقرر می‌داشت: «قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

- ۱) مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا افرادی غیرمعین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.
- ۲) مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.
- ۳) مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری و یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد».

قانونگذار در بیان احکام این جرم در ماده (۲۰۶) ق.م.ا. سابق در مقام ذکر موجبات قصاص به شرح مصادیق و مواردی که جنایت ارتكابی بعنوان قتل عمدی قلمداد می‌گردد، اکتفا نموده بود. این رویه موجب شد تا قانونگذار در کتاب سوم، بخش اول از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به قصاص و مواد عمومی راجع به آن اختصاص دهد. اما، به دلایل نامعلوم در فصل اول به اقسام جنایت و تعاریف آنها اشاره کرده است. چنانچه مقنن مطابق ماده (۲۸۹) همین قانون مقرر می‌دارد: «جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است». بنابراین قانونگذار نه تنها مواد راجع به قتل عمدی را در یک فصل بیان نکرده است، بلکه بجای تعریف جامع و مانع در خصوص جنایت عمدی با تغییر دادن یا اضافه کردن

کلماتی به قانون یا الحاق نصوص جدید به مقررات عمومی قتل عمدی و ادغام رکن قانونی جنایات سالب و مادون نفس در یک مقرر قانونی اقدام کرده است.<sup>۱</sup>

تبصره ۱- در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

تبصره ۲- در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی‌علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود». بیان چند نکته در اینجا لازم و ضروری است: اولاً؛ همانطور که گفته شد مبنا و ضابطه تمیز و تشخیص جنایات عمدی از دیگر اقسام جنایات، قصد مجرمانه و رکن روانی جرم است، هر چند بنابر بندهای (ب و ت) فعل کشنده، آلت قتاله، موضع آسیب، وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه و سایر وضعیت‌های خاص نظیر مکانی یا زمانی و ... ظاهراً موثر در موضوع است اما چنانکه خواهد آمد جنایت عمدی ممکن است با قصد صریح و ابتدایی مانند بندهای (الف و ت) ماده فوق‌الاشاره و یا با قصد ضمنی و تبعی مانند بندهای (ب و پ) و تبصره‌های یک و دو ماده مذکور محقق گردد، چنانچه برخی معتقدند: رکن مادی در تمام مصادیق قتل‌های مجرمانه مشابه است و ۱۱۹ تفاوتی از این حیث میان آنها نیست (آقایی نیا، ۱۳۸۶: ۱۷۳-۱۷۲)، بلکه تفاوت اساسی در نوع قتل‌ها در رکن روانی است (زراعت، ۱۳۸۶، ۱۷۶). آن چنانکه قبل از تجلی خارجی رفتار مجرمانه، قصد و اراده مرتکب بروز

<sup>۱</sup> بنابراین مطابق قانون مجازات اسلامی، ماده (۲۹۰) بعنوان رکن قانونی جنایات عمدی علیه افراد محسوب و مقرر می‌دارد: «جنایات در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف) هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

ب) هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هر چند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته، باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ) هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع نشده یا نظیر، آن نمی‌شود لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت) هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.

پیدا می‌کند، لذا این تصور که اختلاف در رکن مادی، ممیز جنایات عمدی از دیگر اقسام جنایات می‌باشد، غیرموجه است. از این جهت قانونگذار برخلاف قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز با ادغام جنایات عمدی مادون و سالب نفس، ضابطه مذکور را در احراز و اثبات عمد و نوع جنایت عمدی مورد توجه قرار داده است.

**ثانیاً؛** چنانکه بیان شد ماده (۲۹۰) قانون مجازات اسلامی بعنوان رکن قانونی جنایت عمدی محسوب می‌شود و فروض بیان شده در بندهای (الف، ب، پ و ت) ناظر به «قواعد عمومی و مادر» جنایات عمدی سالب و مادون نفس می‌باشد و چنانچه «قانون خاصی» در این خصوص تعیین تکلیف نموده باشد، قانون مزبور حاکم خواهد بود. **ثالثاً؛** اگرچه عنصر مادی جنایت عمدی در چندین مقرر قانونی از جمله بند (پ) ماده (۲۹۱)، تبصره ماده (۲۹۲)، ماده (۲۹۵) و ماده (۵۰۱) قانون مجازات اسلامی بیان شده است و تفاوت اساسی میان رفتار مرتکب اعم از فعل و ترک فعل مادی و غیرمادی هست، اما به لحاظ یکسان بودن رکن روانی جنایت عمدی و بیان آن در ماده (۲۹۰) قانون مجازات اسلامی، دیگر نمی‌توان موارد فوق را بعنوان قانون خاصی در باب رکن روانی جنایت عمدی معرفی کرد. از طرفی قانونگذار در مواد فوق و سایر مواد بویژه ماده (۲۹۰) قانون فوق‌الذکر بیشتر از آنچه به رکن مادی توجه داشته باشد به رکن روانی و رابطه علیت در اجزای ارکان مادی جنایت عمدی نظر داشته و احراز و انتساب موارد مذکور به مرتکب را مهم و با اهمیت شمرده است.

پس از انقلاب طبق ماده (۲۰۴) قانون مجازات اسلامی قتل براساس قول مشهور فقها بر سه نوع عمد و شبه عمد و خطای محض تقسیم و موارد عمدی محسوب شدن قتل در سه مورد ماده (۲۰۶) همان قانون احصا گردید.

#### ۴- مقایسه ارکان جرم قتل عمد در حقوق ایران و امارات

به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید باید؛ نخست، قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)؛ دوم، عمل یا ترک عمل مشخص به منصف ظهور و بروز یا کمینه به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)؛ سوم، با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی)؛ این عناصر که در تمامی جرائم مشترکند عناصر عمومی نام دارند.

#### ۴-۱- رکن قانونی

ریشه این عنصر را باید در اصل قانونی بودن جرائم جستجو کرد (نوربها، ۱۳۸۳: ۱۵۶). یکی از اصول مسلم حقوق کیفری این است که تا زمانی که قوانین حاکم بر یک جامعه عملی را جرم تشحیص نداده و آن را قابل مجازات نداند، اشخاص در انجام آن عمل آزاد می‌باشند (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۷۳). منظور از این اصل بطور خلاصه آن است که اولاً؛ هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن به این صفت شناخته شده باشد؛

ثانیا؛ هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار بگیرد، مگر آنکه قبلا از طرف مقنن برای همان جرم وضع شده باشد؛ ثالثا؛ هیچ محکمه‌ای صالح به رسیدگی به جرمی نیست مگر آنکه قانون آن محکمه را برای رسیدگی به آن جرم صالح شناخته باشد. رابعا؛ هیچ حکمی از محکمه صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه و آن هم طبق شرایط پیش‌بینی شده در قانون. بعبارت دیگر تعیین جرم، تعیین مجازات، تعقیب متهم، صدور حکم کیفری و اجرای آن باید طبق اصول و مقررات پیش‌بینی شده در قانون باشد. هرگاه حکمی برخلاف قانون و یا بدون رعایت یکی از شرایط یاد شده صادر گردد، آن حکم جنبه قانونی نداشته و در مرحله بالاتر مثل تجدیدنظر و فرجام نقض خواهد شد (محسنی، ۱۳۷۵: ۲۹۷).

قانون امارات در راستای قتل از سه عنصر «محل موضوع قتل»، «عنصر مادی» و «عنصر اخلاقی» نام می‌برد. اول، موضوع قتل: قتل بعنوان تجاوزی به حق بشر در زندگی به وقوع می‌پیوندد، بنابراین مورد تجاوز در جرم قتل، انسان زنده است، و بر این اساس در صورت نفی شخصیت انسانی در محل مورد تجاوز، جنایت قتل رخ نمی‌دهد، چنانکه اگر مقتول حیوانی باشد که شخص جنایتکار بدون ضرورت آن را از بین برده باشد که این موضوع تحت ماده دیگری از مواد قانون مجازات قرار می‌گیرد، و به همین ترتیب، در صورت عدم وجود شرط زنده بودن در محل جنایت، جرم قتل رخ نمی‌دهد. مانند کسی که به بدن انسان شلیک کرده است، که این نیز تحت عنوان نوعی دیگر از انواع جنایات قرار می‌گیرد (عبدالستار، ۲۰۰۰: ۳۵۵-۳۵۴). بنابراین لازم است<sup>۱۲۱</sup> که آغاز و پایان زندگی یک انسان مشخص شود:

**آغاز زندگی انسان:** قانونگذار اماراتی در قانون مجازات این مسئله را ذکر نکرده است، بلکه این موضوع را به قانون معاملات مدنی امارات ارجاع داد، جائیکه در ماده (۷۱) قانون معاملات مدنی امارات بدان تصریح شده است: «شخصیت انسان با زنده متولد شدن او آغاز می‌شود، و با مرگ وی به پایان می‌رسد»<sup>۱</sup>، بنابراین می‌توانیم بگوئیم که جنین هنگام زنده متولد شدنش ویژگی یک انسان را بدست می‌آورد؛ یعنی از لحظه‌ای که از بدن مادرش جدا می‌شود، اما قبل از جدایی، این جرم دیگری است که عناصر آن در قانون است.

**پایان زندگی انسان:** زندگی انسان یا با مرگ طبیعی پایان می‌یابد؛ یعنی لحظه‌ای که قلب و تنفس او نهایتا بطور کامل از حرکت باز می‌ایستد، یا از راه مرگ بالینی: یعنی وقتی که مغز او کاملا متوقف می‌شود حتی اگر قلب و تنفس او از طریق دستگاه احیاء هنوز کار کنند، و این از جمله مواردی است که به متخصصانی که دکترای پزشکی قانونی هستند، ارجاع داده می‌شود.

<sup>۱</sup> قانون اتحادیه فدرال شماره (۵) در مورد معاملات مدنی، منتشر شده در شماره (۱۵۸) روزنامه رسمی در تاریخ (۱۹۸۷ میلادی).

**عنصر قانونی جرم قتل عمد در ایران:** در ماده (۲۸۹) قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ ذکر گردیده است. بدین شرح که: «جنایت بر نفس، عضو و منفعت به سه قسم است: عمدی، شبه عمدی، خطای محض». عنصر قانونی قتل عمد مطابق ماده (۲۹۰) قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲: «جنایات در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: «هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود واقع شود. خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت بشود، خواه نشود. هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شود خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت بشود، خواه نشود. هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی‌علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد. هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند». همچنین در خصوص عنصر قانونی ترک فعل که موجب جنایت قتل می‌گردد، ماده (۲۹۵) قانون مجازات مقرر داشته: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون برعهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته است جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی، یا خطای محض است؛ مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند».

در حقوق ایران در ماده (۴۲) قانون مجازات اسلامی: «هرکس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد و خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود ...» و نیز در ماده (۲۱۴) همان قانون شرکت در قتل موجب قصاص را اینگونه تعریف می‌کند: «هرگاه دو یا چند نفر جراحاتی را برای کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان یا زمان‌های متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می‌شوند ...».

**۲-۴- رکن مادی جرم**

یعنی جرم باید فعلیت یابد و وجود خارجی پیدا کند و صرف تصور و اراده‌ای که فعلیت نیافته و یا تهیه مقدمات ارتکاب آن، جرم محسوب نمی‌شود. اصول اخلاقی، افکار پلید و قصد مجرمانه را مورد نکوهش قرار می‌دهند، ولی حقوق جزا که هدف اصلی آن دفاع از اجتماع است، فکر و اندیشه ضداجتماعی و همچنین تصمیم به ارتکاب جرم و حتی تهیه مقدمات آن را مجازات نمی‌کند، زیرا چنین اندیشه و تصمیمی نظم اجتماعی را به هم نمی‌زند. حقوق جزاء، وقتی اندیشه و تصمیم را مورد مجازات قرار می‌دهد که بوسیله اعمال مادی و خارجی ظهور یافته باشند (افراسیابی، ۱۳۷۴: ۲۶۷). در واقع، برخلاف اخلاق که قواعد آن ناظر بر وجدان‌ها است و هرگونه پندار زشت و ناپسند را محکوم می‌کند، حقوق کیفری متضمن اصولی است حاکم بر رفتار انسان‌ها و توأم با تضمین‌هایی که حافظ جامعه بشری است.

حقوق جزاء پندار نکوهیده و قصد سوء را تا زمانی که ماداً به منصفه بروز و ظهور نرسیده است، مجازات نمی‌کند؛ چراکه قصد سوء تا وقتی که انسان برای واقعیت بخشیدن به آن جازم نیست، خطری برای نظم اجتماعی در بر ندارد. بنابراین شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتکاب عمل خاصی به مرحله فعلیت برسد (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۲۰۸).

**۲-۴-۱- رکن مادی قتل عمد در امارات**

قانون مجازات امارات متحده عربی، جرائم مرتبط با زندگی و سلامت و امنیت فرد را در یک فصل از قانون که متشکل از سیزده ماده مربوط به جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای اعمال مجرمانه‌ای که بر زندگی و امنیت فرد تأثیر می‌گذارد، اختصاص داده است که متشکل از سه رکن قانونی، معنوی و مادی است که در این مقاله به بررسی تطبیقی رکن مادی قتل عمد پرداخته می‌شود.

در قانون امارات رکن مادی قتل یا هر اقدام تعدی و تعرضی به زندگی و حیات قربانی محقق می‌شود، خواه این اقدام همانند قتل عمدی از روی قصد باشد یا مانند قتل غیرعمد از روی قصد نباشد وسیله و روش تعدی و تعرض هیچ تأثیری در قانون ندارد، مگر اینکه این وسیله و روش تعدی و تعرض، سم باشد، از این‌رو، استفاده از آن یکی شرط تشدید کننده برای قتل محسوب می‌شود بدین ترتیب رکن مادی جرم قتل با استفاده از هر وسیله‌ای محقق می‌شود تا زمانی که استفاده از آن وسیله منجر به مرگ قربانی شود. متناسب با مطالب فوق و براساس قانون امارات برای تحقق رکن مادی قتل عمدی می‌توان بیان داشت که عنصر مادی و در قالب کشتن یک انسان در قید حیات نمایان می‌شود و نتیجه حاصله جنایی از این عمل یعنی از بین رفتن روح این شخص و وجود رابطه سببیت بین عمل مجرم و مرگ مقتول و منظور از رابطه علی (سببیت) به معنای پیوند مستقیم و نزدیک نتیجه جنایی با عمل مجرم است. بنابراین براساس ماده (۳۱) قانون مجازات فدرال

تصریح می‌کند: «عنصر مادی این جرم شامل فعالیت‌های مجرمانه با ارتکاب یا پرهیز از یک عمل است، هر زمان که ارتکاب چنین کاری یا نادیده گرفتن توسط قانون جرم باشد»<sup>۱</sup>، از متن ماده قبلی فهمیده می‌شود که هیچ تفاوتی بین تیراندازی به مقتول و شکنجه دادن او مثلا با منع دارو وجود ندارد، مشروط بر اینکه عملی که قاتل بر علیه مقتول صورت داده باشد طبق قانون جرم باشد این مسئله به خوبی **رابطه علیت** میان عمل و نتیجه را نشان می‌دهد (نجیب حسنی، ۱۹۸۳: ۳). گویی عمر، زید را ضرب و شتم می‌کند، سپس زید با یک وضعیت وخیم با ماشین آمبولانس به بیمارستان منتقل می‌شود، و بدلیل وجود وسایل الکترونیکی در ماشین آتش‌سوزی ناگهانی بوجود می‌آید، بنابراین سبب فوت زید آتش‌سوزی است نه ضرب و شتم، در نهایت نمی‌توانیم بگوئیم که عمل عمر بوده و منجر به نتیجه حتمی شده است. در همین راستا نیز ماده (۳۲) قانون مجازات امارات تصریح می‌کند که: «شخص، برای جرمی که نتیجه فعالیت مجرمانه وی نبوده، بازخواست نمی‌شود». پس درخصوص نقش عنصر مادی در قتل عمد در قانون امارات می‌توان نتیجه گرفت که عنصر مادی جرم قتل در قانون عبارتست از عمل قتل و در شرع با از بین رفتن روح آدمی تطابق دارد، و رابطه علیت در قانون با ارتباط بین علت و معلولی بین عمل مجرم و شخص مقتول مطابقت دارد، یعنی در بین آنها هیچ وسیله واسطه‌ای در قتل وجود ندارد.

#### ۱۲۴ ۴-۲-۲- رکن مادی قتل عمد در ایران

اولین جزء از رکن مادی، باتوجه به توصیف عام و خاصی که قانونگذار از هر جرم کرده، می‌توان رفتار اعم از فعل یا ترک فعل باشد که هر یک می‌تواند بصورت مادی یا غیرمادی محقق گردد. باید توجه داشت که غالب جرائم حقوق کیفری کشور ما با فعل آن هم فعل مادی مثبت ارتکاب می‌یابند، لیکن این امر نافذ ارتکاب جنایت با فعل غیرمادی مثبت و ترک فعل مادی و غیرمادی نمی‌باشد. بعنوان نمونه می‌توان به جرائم فعلی مادی یا غیرمادی، آدم‌ربایی، رها کردن طفل و شهادت کذب «موضوع مواد (۶۲۱)، (۶۳۳) و (۶۵۰) قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵» اشاره کرد. اما درخصوص جرائمی که با ترک فعل ارتکاب می‌یابند می‌توان به امتناع از تحویل طفل و امتناع از انجام وظایف «موضوع مواد (۶۳۲) و (۵۹۷) قانون مذکور» و خودداری از ثبت ولادت یا فوت «موضوع ماده (۴۸) قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵» تصریح نمود. از طرفی ممکن است جرائمی باشد که نه تنها با فعل بلکه با ترک فعل هم محقق شوند از جمله آنها می‌توان به خیانت در امانت «موضوع ماده (۶۷۴) قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵» یا جنایات عمدی، شبه عمدی یا خطای محض «موضوع مواد (۲۹۰)، (۲۹۱) و (۲۹۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» اشاره کرد.

<sup>۱</sup> قانون فدرال شماره (۳) درباره مجازات

دومین جزء رکن مادی جنایت عمدی عبارت است از مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی که مقنن وجود یا فقدان آنها را برای تحقیق جنایت مذکور ضروری دانسته است. بنابراین برای تحقق هر جرمی؛ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل مرتکب باید در شرایط خاصی رخ داده باشد که این شرایط ممکن است مربوط به رفتار، نوع و شدت آن، شیوه بکارگیری، نوع وسیله، موضع اصابت و وضعیت روحی و جسمانی مرتکب یا شرایط خاص زمانی یا مکانی یا مربوط به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه، از قبیل؛ ضعف، پیری، بیماری، جنسیت (زن یا مرد بودن) وضعیت روحی و جسمانی یا هر وضعیت دیگر باشد بعلاوه، این شرایط ممکن است ایجابی (وجودی) یا سلبی (عدمی) باشند. بعبارت دیگر، گاه مقنن وجود شرطی را برای تحقق جرم خاصی را ضروری دانسته است، مثل؛ مالیت داشتن مال، در جرم سرقت یا نامتعارف بودن وضعیت مجنی‌علیه یا شرایط خاص زمانی یا مکانی در ارتکاب جنایت عمدی سالب و مادون نفس موضوع بند (پ) ماده (۲۹۰) ق.م.ا. و گاه عدم آن را لازم دانسته است، مثل؛ فقدان رضایت در جرم تجاوز جنسی یا زنا یا به عنف (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ۲۵). به هر حال، قانونگذار در جنایت قتل عمدی شرایط مختلفی را برای جرم شناختن رفتاری که جانی بر مجنی‌علیه مرتکب می‌شود لازم دانسته که این شرایط و اوضاع و احوال در احراز و انتساب رکن مادی و روانی به مرتکب و نوع جنایت ارتكابی توسط وی، تأثیر بسزایی دارد.

۳) سومین جزئی که برای تکمیل رکن مادی جنایت قتل عمدی لازم است، وقوع نتیجه مشخص شده از ۱۲۵ سوی مقنن می‌باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ۲۵). جنایت عمدی علیه نفس از جمله، جرائم مقید به نتیجه خاص بوده که علاوه بر رفتار ارتكابی حدوث نتیجه غیرقانونی نیز شرط تحقق آن محسوب می‌گردد. از این جهت وقوع مرگ از عناصر اساسی جرم قتل می‌باشد. بنابراین اگر مرتکب با قصد قتل و یا ارتکاب رفتار غالباً کشنده اقدام به جنایت نماید، لکن اقدامات مجرمانه وی منتهی به مرگ نگردد، جرم تام رخ نخواهد داد. همچنانکه در رأی اصرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۲۴ مورخ ۱۳۷۴/۰۸/۰۲ قصاص نفس مرتکب را منوط به احراز مرگ مجنی‌علیه دانسته و مقرر داشته است: «قصاص نفس مجازات قتل عمدی است و تحقق جرم مزبور به مسلم بودن مرگ کسی که قتل وی مورد ادعا است، منوط می‌باشد». یا شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی به شماره ۲۲۷۲ مورخ ۱۳۱۹/۰۷/۱۱ مقرر می‌دارد: «وقتی که ایراد ضرب در نظر دادگاه محرز شد، ولی مرگ را در نتیجه ایراد ضرب ندانست، بایستی مجازات متهم از جهت ایراد ضرب تعیین شود، صرف برائت متهم در این مورد موجب نقض دادنامه است». بدیهی است، تحقق جرائمی که مقنن آنها را مطلق نه مقید به نتیجه خاص دانسته است، نیازی به جزء سوم رکن مادی ندارد؛ این جرائم، بدون نیاز به منتج شدن رفتار اعم از فعل یا ترک فعل به نتیجه موردنظر، به وقوع می‌پیوندند، از جمله این جرائم

می‌توان به افشای اسرار توسط شاغلین به حرفه‌های خاص یا ادای سوگند دروغ یا ادای شهادت کذب «موضوع مواد (۶۴۸)، (۶۴۹) و (۶۵۰) قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵» نام برد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۲۵).

#### ۴-۲-۳- رابطه علیت

موضوع دیگری که در احراز و انتساب جنایت عمدی به مرتکب رفتار، از اهمیت زیادی برخوردار است، لزوم وجود رابطه علیت بین رفتار مرتکب با نتیجه مجرمانه یعنی سلب حیات می‌باشد پس وقوع جنایت بعد از ارتکاب رفتار به تنهایی در احراز مسئولیت جزائی مرتکب کافی نیست بلکه یکی از اجزاء لازم در تحقق رکن مادی و روانی جنایت قتل عمدی اثبات و استناد نتیجه زیانبار به رفتار انجام شده و عامل آن است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۳)، در آرای مختلف دیوان عالی کشور اهمیت رابطه علیت برای اثبات و استناد جنایت به مرتکب به صراحت یا ضمنی بیان شده است: در رأی اصراری هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۳۶ مورخ ۱۳۷۳/۰۹/۰۸ علت فوت متوفی را نه رفتار متهم، بلکه بیماری تنفسی مقتول تعیین کرده است و مقرر می‌دارد: «باتوجه به گواهی پزشکی قانونی که علت فوت متوفی را بیماری تنفسی تعیین کرده و باتوجه به فاصله زمانی درگیری طرفین و وقوع فوت رابطه سببیت بین فعل متهم و مرگ متوفی به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی احراز نمی‌گردد» یا در رأی اصراری هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۴ مورخ ۱۳۷۵/۰۳/۲۹ ۱۲۶ علت خونریزی مغزی و فوت مقتول را در اثر ضربه متهم تأیید می‌نماید: «نظریه پزشکی قانونی دلالت بر خونریزی مغزی در اثر ضربه، باتوجه به اینکه متهم به تاب دادن گردن همسرش اقرار کرده و شهود نیز زدن سر وی به زمین را تأیید نموده‌اند. بنابراین دفاع فقدان قصد قتل به استناد مقررات بند «ب» ماده (۲۰۶) ق.م.ا. سابق و بند «ب» ماده (۲۹۰) ق.م.ا. کنونی قابل پذیرش و ترتیب اثر نمی‌باشد». یا در رأی اصراری هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۱۳ مورخه ۱۳۷۵/۰۷/۱۷ علت مرگ مقتول را ضربه مستقیم به سر و خونریزی مغزی اعلام و مقرر می‌دارد: «علت مرگ ضربه مستقیم به سر و خونریزی مغزی است و با تطبیق جرم ارتكابی با بند «ب» ماده (۲۰۶) ق.م.ا. سابق و بند «ب» ماده (۲۹۰) ق.م.ا. فعلی نداشتن قصد قتل بر فرض صحت به لحاظ موضع اصابت ضربه (سر) که از نقاط حساس و حیاتی بدن می‌باشد در ماهیت موضوع تأثیری ندارد».

مطابق قوانین و مقررات فعلی کشور ایران، قانونگذار به صراحت و یا ضمنی احراز و استناد رابطه علیت را مورد اشاره قرار داده است: چنانچه مطابق ماده (۱۴۵) ق.م.ا. تحقق جرائم غیرعمدی را منوط به احراز تقصیر مرتکب دانسته است. یا قانونگذار در ماده (۱۴۲) همین قانون شرط مسئولیت کیفری دیگری را احراز و اثبات رابطه علیت بین تقصیر وی در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی مرتکب می‌داند. یا مقنن در ماده (۵۲۹) قانون فوق شرط مسئولیت کیفری و مدنی در جرائم غیرعمدی را احراز و استناد نتیجه مجرمانه به تقصیر مرتکب می‌داند. بالاخره قانونگذار در تبصره ماده (۱۴) قانون فوق‌الذکر احراز و استناد رابطه علیت بین نتیجه مجرمانه

و رفتار شخص را بیان و مقرر می‌دارد: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود...».

#### ۳-۴- رکن معنوی

وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم دانسته برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرائم عمدی مثل قتل عمد) یا در اجرای عمل بنحوی از انحا و بی‌آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزائی (در صورت وجود این مسئولیت) شناخت. همانند (جرائم غیرعمدی مثل عبور راننده از چراغ قرمز) (نوربها، ۱۳۸۳: ۱۹۶).

#### ۳-۴-۱- رکن معنوی قتل عمد در امارات

رکن معنوی جرم در قانون امارات، در جرائم عمدی «قصد و انگیزه مجرمانه» تلقی شده و از آن در جرائم غیرعمد «خطا و اشتباه» تعبیر شده است که در قالب قصد و انگیزه مجرمانه (جنایی) کلی و یا خاص اتفاق می‌افتد. قصد مجرمانه کلی یا سوءقصد، از دو عنصر علم و اراده تشکیل شده است، به این معنی که فرد مجرم از آنچه که انجام می‌دهد از عواقب ناشی از آن نیز آگاه است، و اینکه اراده ارتکاب عمل و حدوث نتیجه آن را دارد. قانون نسبت به تعدادی از جرائم سخت‌گیری کرده و می‌گوید که مرتکب می‌بایست در همه این جرائم، قصد و انگیزه مجرمانه خاصی داشته باشد، که همان قصد از بین بردن روح فرد در جرم قتل، و قصد تصرف اموال در جرم مربوط به سرقت است (عمری، ۲۰۱۹: ۸-۲). اما در مورد جرائم مربوط به ضرب و شتم، قصد و انگیزه کلی مجرمانه کافی است. در جرم قتل (ماده ۱/۲۳۴ قانون مجازات)، مرتکب هنگام اقدام و ارتکاب عمل، قصد از بین بردن روح قربانی را دارد، اما در جرم ضرب و شتم که منجر به مرگ می‌شود (ماده (۲۳۶) ق.م.ا)، جانی چیزی جزء قصد آسیب رساندن به قربانی را ندارد، اما عمل وی از حد گذشته و منتهی به مرگ شده است، حال چه در اثر شدت ضربه مثلا، و چه در اثر ضعیف بودن قربانی، و این جرمی است که غالباً در مشاجرات رخ می‌دهد مهمترین نکته در قانون امارات این است که اثبات رکن معنوی دشوارتر از رکن مادی است، زیرا به منشأ جرم مربوط می‌شود، و تحقیقات آن را از طریق مفهوم (مقصود) پنهان اعمالی که جانی مرتکب می‌شود، ثابت می‌کند. علاوه بر آن نیز از درون و ذات پنهان او نشأت می‌گیرد. در همین رابطه، دادگاه صلاحیت حکم داده است که: «مشخص است که قصد قتل یک موضوع پنهان است که با حواس ظاهری قابل درک نیست و فقط با شرایط پیرامون پرونده، نشانه و عوامل خارجی که از جانی صادر شده و از درون او نشأت می‌گیرد. در نتیجه استخراج این قصد و انگیزه از عناصر پرونده برعهده خود قاضی این موضوع

و در حدود اختیارات او خواهد بود.<sup>۱</sup> بنابراین می‌توان بیان داشت که کسی که به شخصی شلیک کند و او را به قتل برساند با این باور که او یک حیوان است، هیچ قصد مجرمانه‌ای ندارد و کسی که شخصی را دفن کند با گمان اینکه او فوت کرده است، سپس بخاطر این دفن بمیرد، کسی که او را دفن کرد هیچ قصد و نیت مجرمانه‌ای ندارد. و کسی که در جشن‌ها شلیک کند و این شلیک او به یک انسان برخورد کند و باعث کشته شدن او شود، هیچ قصد و نیت مجرمانه ندارد و در مورد قتل عمدی مسئول نیست، با وجودی که در مورد قتل غیرعمدی مورد بازخواست قرار می‌گیرد و مسئول است.

مطابق ماده (۳۸) قانون مجازات فدرال، عمد یا اشتباه است. عمد، جهت‌گیری اراده مرتکب (جنایتکار) به سوی ارتکاب فعل یا ترک آن است، زمانی که این دو از نظر قانون جرم شناخته شده باشند، و اینکه اراده او به عمل مادی، و به پیامد جنایی ناشی از عمل سوق داده می‌شود و اینکه اراده او به عمل مادی، و به پیامد جنایی ناشی از عمل سوق داده می‌شود.

#### ۴-۳-۲- رکن معنوی در قانون ایران

هرچند قانونگذار تعریفی از جرم عمدی ارائه نکرده است، اما احراز قصد را در ارتکاب رفتار مجرمانه را لازم و ضروری دانسته و آن را پیش شرط مسئولیت کیفری قلمداد کرده است. با این حساب رکن روانی بعنوان یکی از پایه‌های اساسی در جنایت عمدی و به نیت باطنی و خواست مجرمانه مرتکب تعبیر شده است. ۱۲۸ بنابراین رکن روانی جزء ارکان لازم جنایات عمدی می‌باشد و از چند عنصر اساسی تشکیل می‌شود، گذشته از این جنایت عمدی از جرائم مقید به نتیجه می‌باشد که علاوه بر سوءنیت عام (یعنی قصد صدور و قصد اصابت فعل) نیازمند سوءنیت خاص (یعنی قصد نتیجه) می‌باشد. چنانچه قانونگذار در مواد (۲۸۹)، (۲۹۰)، (۲۹۱) و (۲۹۲) قانون مجازات اسلامی، تفاوت ذاتی جنایت قتل عمدی را از دیگر اقسام آن موقعیت و کیفیت رکن روانی و عمد مرتکب و اجزاء تشکیل دهنده آن دانسته است. چنانچه در صدر ماده (۱۴۴) ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود». به هر حال باید توجه داشت، که عنصر روانی جنایات عمدی سالب و مادون نفس در قانون مجازات اسلامی ماده (۲۹۰) می‌باشد، هرچند مصادیق رفتار مرتکب اعم از فعل مثبت مادی و ترک فعل در مواد (۲۹۵) و (۵۰۱) قانون فوق‌الذکر بیان شده است.

<sup>۱</sup> تجدیدنظر شماره ۱۱۰۳۴ - سال ۶۷ ق- جلسه ۲۰۰۸/۰۳/۰۶

### نتیجه گیری

با بررسی این مقاله می‌توان نتایج زیر را برشمرد اولاً در قوانین دو کشور ایران و امارات و براساس شریعت اسلامی قتل عمد یکی از بزرگترین گناهان کبیره و بزرگترین جنایات است و طبق آنچه قرآن کریم به آن اشاره کرده است، و سنت موکد آن است، و دانشمندان بر آن اجماع نظر دارند. و مجازات اصلی برای قتل عمدی قصاص است که این موضوع در قوانین دو کشور مشترک و پذیرفته شده است ثانیاً، در بررسی ارکان قتل عمد در قوانین دو کشور می‌توان بیان داشت که در قانون امارات و برای اینکه قتل عمدی صورت گیرد باید دو مولفه زیر حضور داشته باشند: مادی و در قالب کشتن یک انسان در قید حیات نمایان می‌شود و نتیجه حاصله جنایی از این عمل یعنی از بین رفتن روح این شخص و وجود رابطه سببیت بین عمل مجرم و مرگ مقتول.

و رکن اخلاقی (معنوی) است و آن در جنایت قتل عمدی قصد جنایت است، یعنی اراده آزاد مجرم به ارتکاب قتل اختصاص دارد و او از قبل می‌داند که این امر از او صادر می‌شود. به نظر می‌رسد که در قوانین امارات در خصوص قتل عمد عمدتاً از دو رکن مادی و معنوی بحث به میان آمده و رکن قانونی چندان بدان نپرداخته است و یا اگر هم پرداخته باشد در مقایسه با دو رکن دیگر نوعی مجهولیت در آن مشاهده می‌شود. ثالثاً، در نظام حقوقی ایران برخلاف امارات، با توجه به اینکه رکن مادی قتل از مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری<sup>۱۲۹</sup> ایران می‌باشد قانونگذار به صراحت در ماده (۲۰۶) ق.م.ا.ف.ل را برای تحقق جرم قتل لازم و ضروری شمرده است. اما در خصوص ترک فعل هیچ تصریحی به میان نیامده است بعبارت دیگر شرایط قتل از طریق ترک فعل در حقوق ایران بطور کلی کمتر متوجه تارک فعل می‌باشد؛ اما چنانچه شرایطی حاکم باشد، در مواردی می‌توان تارک فعل را به دلیل قتل یا صدمه جسمانی مسئول دانست. بنابراین قانونگذار می‌بایست برای جلوگیری از تشدد آراء، ترک فعل و شرایط آن را در ق.م.ا.ف.ل تصریح کرده و بطور واضح موضع خود را در قانون مشخص نماید. در حقوق ایران بهتر است یک مواردی هم در مورد قتل عمد مشدده مانند قتل با سبق تصمیم و قتل با استفاده از وسایل خطرناک یا وسایل خاص پیش‌بینی شود، تا بتوان آن را با قتل‌های ساده متمایز ساخت و بنابراین مجازات آنها نیز می‌تواند با مجازات قتل‌های ساده متفاوت باشد. مانند کسی که با استفاده از وسایل خطرناک مانند چاقو یا مواد منفجره موجب قتل می‌شود و کسی که با هل دادن موجب قتل دیگری می‌شود، که برای این دو باید مجازات‌های متفاوتی تعیین شود.

## فهرست منابع

## فارسی:

- ۱- آقای نیما، حسین (۱۳۸۴)، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
- ۲- افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۳- زراعت، عباس (۱۳۸۱)، حقوق جزای اختصاصی (۱)، جرائم علیه اشخاص، تهران: انتشارات میزان.
- ۴- قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، «حق حیات تحلیلی و حقوق بشری»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۱.
- ۵- قانون فدرال شماره (۳) درباره مجازات.
- ۶- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، محشای قانون مجازات اسلامی، چ ۵، تهران: انتشارات مجد.
- ۷- محسنی، مرتضی (۱۳۷۵)، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۸- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۹- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۵)، «ترک فعل بعنوان عنصر مادی جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۳.
- ۱۰- نوربها، رضا (۱۳۸۳)، زمینه حقوق جزای عمومی، چ ۱۱، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.

## عربی:

- ۱۱- ابن‌انس، مالک (۱۹۹۴)، المدونه الكبرى، بروایة سحنون، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۲- ابن‌نعمان، علی بن عمر بن أحمد بن مهدی بن مسعود (بی‌تا)، سنن دار قطنی، ج ۷، حدیث (۳۱۸۲).
- ۱۳- ابو زهره، محمد (۱۹۹۸)، اجلریمه والعقوبه یف الفقه الإسلامی: اجلریمه، القاهره: دارالفکر العریب.
- ۱۴- الدردیر، أحمد بن محمد (بی‌تا)، الشرح الکبیر علی مختصر خلیل، ومعه حاشیه الدسوقی، تحقیق: محمد علیش، بیروت: دارالفکر.
- ۱۵- الشربینی، محمد بن الخطیب (۱۹۹۷)، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت: دارالمعرفه.
- ۱۶- بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره (۲۰۰۱)، صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، الجمعه، ج ۴، حدیث شماره ۱۷۴۱.
- ۱۷- سالم، کمال بن السید سالم (بی‌تا)، صحیح فقه السنه وشواهد آن و توضیح مذهب ائمه، ج ۶.
- ۱۸- شلال العانی، محمد و القضاة، محمد علی (۲۰۱۳)، احکام و مقررات و بیزه قانون مجازات فدرال، امارات متحده عربی، شارجه: انتشارات کتابخانه دانشگاه.
- ۱۹- شوکانی، محمد بن علی بن محمد (۱۹۹۳)، نیل الأوطار، تحقیق: عصام‌الدین اصباطی، چ ۱، ج ۷، مصر: دارالحدیث.
- ۲۰- عمری، ساره (۲۰۱۹)، القتل العمد والخطأ والضرب المفضی إلى الموت و أشياء أخرى، بی‌جا.
- ۲۱- نسائی، احمد بن سعید بن علی (بی‌تا)، سنن نسائی، کتاب تحریم الدم، فصلی در بزرگداشت خون، ج ۱۲.